

## پنجشنبه ۲۱ دی

پنج روز از آتش گرفتن سانچی گذشته بود و هیچ کس از وضعیت خدمه خبر نداشت. با رسیدن نیروهای امدادی ژاپن، قرار شد روز جمعه عملیات همراه با یک تیم ایرانی ادامه پیدا کند، اما ناگهان سخنگوی گارد ساحلی ژاپن به روترز گفت مسؤولان چینی، پیشنهاد کمک گارد ژاپن را رد کرده‌اند. همین روز، علی ربیعی، وزیر وقت کار که مسؤول رسیدگی به این حادثه بود، گفت باد در حال بردن کشتی سوزان به سمت آب‌های ژاپن است و از این کشور خواست تادر خاموش کردن آتش به ایران کمک کند.

## جمعه ۲۲ دی

پیگیری وضعیت نفتکش سوزان سانچی و خدمه‌اش تبدیل به یکی از اخبار روزانه مردم شده و اولین سوال همه این بود که کسی هنوز زنده است؟ ربیعی در واکنش به این سوالات گفت: «پس از آن‌که پیکر یکی از مفقودان پیدا شد خبر خاص دیگری از ۳۱ پرسنل در دست نیست. نمی‌خواهیم خبرنگاران‌کننده بدهیم؛ باید به خانواده‌های مفقودین آرامش بدهیم؛ ما هنوز وقت طلایی داریم.» شامگاه جمعه، ارتش ایران از ارتش چین و ژاپن درخواست کرد تا در پیدا کردن سرنشینیان سانچی وارد عمل شوند. سخنگوی ارتش نیز اعلام کرد یک تیم عملیات ویژه نیروی دریایی ارتش با حضور تکاوران کلاه سبز در محل هستند و اگر چین به آنها بالگرد بدهد، با انجام راپل می‌توانند وارد کشتی شوند. همچنین به خانواده خدمه گفته شد برای ارائه نمونه دی‌ان‌ای مراجعه کنند.

## شنبه ۲۳ دی

صبح شنبه، ربیعی اعلام کرد امدادگران ایرانی همراه با چینی‌ها قرار است به کشتی بروند و عملیات تجسس را آغاز کنند. ظهر همین روز و با درخواست وزیر خارجه ایران، طرف چینی اعلام کرد نیروهای امدادی این کشور همچنان به عملیات ادامه خواهند داد. شب‌هنگام نیز، معاون سازمان بنادر و دریانوری، از اعزام ۱۲ تکاور ایرانی به چین خبر داد و گفت به محض کاهش دمای کشتی، عملیات تجسس مفقودان آغاز خواهد شد. با مساعد شدن شرایط، یک تیم چینی به سرعت وارد کشتی شد و توانست پیکر دو نفر از سرنشینیان کشتی به همراه جعبه سیاه سانچی را به کشتی چینی منتقل کند.

## یکشنبه ۲۴ دی

روز یکشنبه، هشت تکاور به محل کشتی رسیدند و همراه با گروه چینی، جلسه‌ای برای نحوه ورود به کشتی برگزار کردند. خیلی طول نکشید که فرمانده چینی عملیات امداد و نجات گفت دریانوردان شانس زیادی برای نجات ندارند، اما عملیات همچنان ادامه دارد. ظهر که شد، رئیس سازمان بنادر و دریانوردی گفت سانچی در حال غرق شدن است و دیگر آمیدی برای پیدا کردن مفقودی‌ها وجود ندارد. بعد از یک ساعت هم به‌طور رسمی، مرگ تمام سرنشینیان سانچی را اعلام کرد.

## ۲ ابهام مهم سانچی

نفتکش سانچی ۹ روز تمام با آتشی که به جانش افتاده بود، جنگید، اما در نهایت به اعماق دریا فرورفت. پس از غرق شدن کشتی، نگاه‌ها و افکار عمومی مردم تازه متوجه چینی‌ها شد که اخباری در مورد کم‌کاری‌هایشان در رسانه‌ها و به نقل از مقامات رسمی کشور منتشر شده بود. حجم انتقادات به حدی بالا گرفت که اول بهمن‌ماه، پانگ سین، سفیر چین، نشست خبری با خبرنگاران در سفارتخانه این کشور برگزار کرد تا به سوالات و ابهامات جواب بدهد. یکی از مهم‌ترین ابهامات، جلوگیری از ورود تکاوران ایرانی به داخل سانچی بود که خبرنگار جام جم از پانگ سین در مورد آن پرسید و او در پاسخ گفت: «از سوی سفارت و دولت چین کارشکنی صورت نگرفت. روز هفتم ژانویه، آقای ربیعی برای اعزام تکاوران درخواستی را

## بازخوانی جعبه سیاه کشتی سانچی

پس از پیدا کردن جعبه سیاه سانچی، حالا نوبت آن بود که بازخوانی شده تا مشخص شود در آن دقایق جهنمی، دریانوردان سانچی با چه شرایطی مواجه بودند. جعبه خوانده شد و بخشی از محتوای آن خارج و در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت. قسمت‌هایی از این نوار را مرور می‌کنیم.

اینجا کابین فرمانده سانچی است. مردی در کابین کاپیتان که به نظر می‌آید افسر سوم سانچی باشد با صدای بسیار مضطربی پشت سر هم می‌گوید:

آتیش، آتیش، آتیش. دیگه فایده‌ای نداره. آتیشو چیکار کنیم؟

صدای کشدار و جیغ مانند پس زمینه جعبه سیاه کشتی زیاد است و سخت می‌توان متوجه مکالمات بین خدمه شد: به کشتی خیلی بزرگی همون خورده. برو به چپ، تمام به چپ....

گروه تلاش می‌کند تا با کشتی چینی ارتباط بگیرد و به او پیام بدهد. یک نفر می‌گوید: داریم برخورد می‌کنیم، سکان تمام به چپ.... دیگه فایده نداره، خورديم.

ثانیه‌هایی پس از گفتن این جملات، ناگهان صدای برخورد شدیدی شنیده می‌شود و پس از آن چند نفر از دریانوردان با صدای بلندی می‌گویند یا ابوالفضل... یا ابوالفضل....

صدای یکی از کسانی که یا ابوالفضل می‌گوید از شدت ترس و هراس می‌لرزد و تکه‌تکه حرف می‌زند. انگار که خم شده و روی زمین نشسته است: یا...

## تماس‌های مشکوک با بازماندگان

نفتکش سانچی پس از ۹ روز مقاومت در برابر غرق شدن، سرانجام زیر آب رفت و مقامات کشور مرگ ۲۹ دریانورد را اعلام کردند؛ موضوعی که البته هیچ‌گاه مورد قبول برخی از خانواده‌های ملوانان قرار نگرفت و یکصد گفتند وقتی هیچ جسدی از آنها ندیده‌ایم، چگونه برای‌شان سیاه بپوشیم و مجلس ختم به پا کنیم؟ استخوان‌های خدمه که به همین راحتی از بین نمی‌رود، اگر پس از آزمایش دی‌ان‌ای تایید می‌شد که استخوان‌ها متعلق به عزیزمان ماست، دیگر حرفی نداشتیم اما موضوع اینجاست که چیزی از آنها به دست مانرسیده که مرگ‌شان را تایید کند. پس بطور قوت‌شان را بپذیریم؟ مدتی پس از سانحه مرکبار سانچی در حالی که برخی از خانواده‌های دریانوردان همچنان بر موضع خود پافشاری می‌کردند، ناگهان از تماس‌های مشکوکی خبر دادند که از خارج کشور با آنها برقرار می‌شد. مشخص نبود از کجا. بعضی می‌گفتند از جنوب شرقی آسیاست و بعضی

مطرح کرد که ۲۴ ساعت بعد با این درخواست موافقت شد. حتی تجهیزات لازم در چین نیز در اختیار آنها قرار گرفت، اما به‌رغم حضور تکاوران در نزدیکی کشتی سانچی و به دلیل شرایط موجود، امکان امدادرسانی وجود نداشت.»

ابهام دیگری که باعث دلشکستگی مردم و خانواده‌های خدمه سانچی شده بود، ترک کشتی سانچی بدون ارزیابی وضعیت خدمه بود. این سوالی بود که خبرنگار جام جم پرسید و پانگ گفت: «۱۳ ژانویه و با مهار آتش، کشتی امداد و نجات به فاصله ۱۰ متری سانچی رسید که با تصمیم‌گیری سخت، چهار نفر از امدادگران وارد کشتی شدند. این امدادگران روی عرشه پیکر دو خدمه کشتی را پیدا کرده و قصد داشتند وارد اتاق امنیت و زندگی خدمه شوند، اما به دلیل دمای ۸۵ درجه این اتاق‌ها و وجود گازهای سمی موفق نشده و با پیدا کردن جعبه سیاه، کشتی را ترک کردند.»

ابوال... فضل..... یا... ابوال... فضل.....

جو سانچی و صداهای لرزان و ترسان خدمه نشان می‌دهد عمق حادثه بیش از آن چیزی است که تصور می‌کردند. افسر سوم سانچی دوباره می‌گوید: استرس نداشته باشید. (سیستم حریق فعال می‌شود)

هرچه بیشتر می‌گذرد، شرایط بحرانی‌تر می‌شود. باز هم صدای افسر سوم سانچی می‌آید: دیگه هیچ کاری نمی‌شه کرد. آتیش، آتیش، آتیشو چیکار کنیم؟

صدای افسر ضعیف و قوی می‌شود. انگار از شدت حجم آتش مهیب و هولناکی که جلوی چشمش جان گرفته است، نمی‌تواند یکجا بایستد و دائم در حال حرکت است.

دوباره صدای آژیر مانند و جیغ ممتد بلند می‌شود. چیزی به لحظه انفجار نمانده است. صدای فریاد بسیار بلند، مبهم و همراه با درد یکی از دریانوردان می‌آید. مشخص نیست چه می‌گوید. صدای خدمه، حالا تبدیل به ناله‌هایی دردناک و جگرخراش شده است..... صدای جیغ ممتد همچنان ادامه دارد.... سرنشینیان سانچی با یکدیگر صحبت می‌کنند، اما بسیار نامفهوم و گنگ. افسر سوم سانچی دوباره تکرار می‌کند: هیچ کاریش نمی‌شه بکنیم.... صحبت‌های نامفهوم سرنشینیان ادامه دارد.... صدای یا ابوالفضل گفتن یکی از دریانوردان دوباره بلند می‌شود.... لحنش پر از ناامیدی است، یاس است و رسیدن به انتهای خط.... چند لحظه سکوت و ثانیه‌هایی بعد، انفجار مهیب رخ می‌دهد و پس از آن تمام مکالمات قطع می‌شود.

هم نقاط دیگری را نام می‌بردند.

پدر یکی از خدمه سانچی سال گذشته گفت: «تاکنون خانواده‌های خدمه سانچی بیش از ۱۴۰۰ تماس از جنوب شرق آسیا و نقاطی مانند مالدیو، تایوان، نیوزیلند، جنوب چین و... دریافت کرده‌اند. برای این تماس‌ها به واحد امور بین‌الملل همراه اول نامه داده‌ایم که هنوز جواب نداده‌اند. از وزارت اطلاعات هم پیگیری کردیم اما در یک صفحه جواب دادند و اعلام کردند به نتیجه نرسیدیم. می‌گویند قایق نجات بیرون نیامده. پس کجاست؟ اگر سوخته باید لاشه‌اش باشد.»

مادر یکی دیگر از خدمه هم گفته بود: «من ۷۰ تماس داشته‌ام اما با پسرم صحبت نکردم. از خارج با من تماس گرفتند. به زبان انگلیسی با یکی از بستگانم صحبت کردند.»

مادر دیگری هم این تماس‌ها را تایید کرد: «پسر دیگرم خرداد ۹۷ تماس تلفنی داشت که طی آن فردی گفته بود من از طرف برادرت که زنده است تماس می‌گیرم، اما اخیراً تماسی گرفته نشده است.»

